

[illegible][illegible][illegible][illegible]

کلاسہ پرہندہ: ۲۰/۱۷/۵۷
وقت رسیدگی: مورخ ۱۷/۹/۱۲ ساعت ۱۲ ظہر
خواہان: آقای سیدجواد جعفری قرزند علی اکبر
خواہانہ: آقای حسن قنبری
خواستہ: مطالبہ وجہ، مطالبہ عتلاہ دادرسی و خسارت تاخیر تادیبہ
خواہان دادخواست: تسلیم دادگاہیای عمومی نمودہ کہ چہت رسیدگی بہ شعبہ ۳۰ ارتجاع گردیدہ و چہت رسیدگی کیی، تعینت بہت مجھول امکان ناکار، چون خواہانہ بہ درخواست خواہان و دستور دادگاہ و بہ تجویز دادہ ۱۲ قانون آیین دادرسی مدنی مراتب یکہ نویت فر یکی از جرایبہ کیی انتشار اکیی می شود۔ تا خواہانہ از تاریخ نشر آخری اکیی ظرف مدتی یکہ بہ دفتر دادگاہ مراجعہ و ضمن اعلام شتائی کامل خود دخواستہ نمود دادخواست و ضامان از دریافت مالبد و نیز دفتر بلا جہت رسیدگی حضور بہ ہم رساند چنانچہ بعد ازالتی بوسیلہ اکیی لازم دخواست فقط یکہ نویت مستتر و مدت آن در روز خواہانہ بود۔
۱۶/۱۰/۱۷۱۲۰ مالف ۹۸۴۴
دفتر شعبہ ۳۰ دادگاہ حقوقی مشهد۔ میرزاپور

[illegible][illegible]

دارالحکومت اسلام آباد میں ایک ایسی روایتی اور تاریخی جگہ ہے جس کا نام "دارالحکومت اسلام آباد" ہے۔ یہ ایک ایسی جگہ ہے جس کا نام "دارالحکومت اسلام آباد" ہے۔ یہ ایک ایسی جگہ ہے جس کا نام "دارالحکومت اسلام آباد" ہے۔

[illegible][illegible]

ریاست محترم اداره کار فرهنگ و ارشاد اسلامی رضوی

با سلام

احتراماً در خصوص پرونده اکران فوق‌الذکر علیه عباس لطیفی رشتخوار به‌خواسته تنظیم سند علیه بکفه ملک به میزان ۸۰/۱۶ متر مربع در تاریخ ۱۳۸۶/۰۶/۱۶ سند چپ داخل خان ۱۶ سال و چهارده روم مستحق چپ داخل خان ۱۶ متری بلاک ۱۶۴ خان و اجرائیه صادر گردیده است مقتضی است به ورثه بکفه ملک علیه بانهایلی : زهرا دروگران فرزند حسین - زهرا رضوی رشتخوار فرزند مرتضی - فاطمه لطیفی رشتخوار فرزند عباس - صدیقه لطیفی رشتخوار فرزند عباس - مصطفی لطیفی فرزند عباس - علی - لطیف رشتخوار فرزند عباس امرحالی تنظیم سند در ورژنامه درج گردد و طرف همت روز جهت تنظیم سند در اجرای احکام سند مسوولاً مجتمع پنج مراجعه و الاق وافی مقررات این بابان مهلت صادر خواهد شد.

۱۳۸۶/۰۲/۲۷ فالف ۹۸۳۹۲

مدیر اجرای احکام هیئت شورا

[illegible][illegible][illegible][illegible]

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان آذربایجان غربی
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک میاندوآب

**آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی ساختمان های فاقد سند رسمی
(موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه)**

هیأت حل اختلاف مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک میاندوآب بشرح زیر تصرفات مفروضی و مالکانه

[illegible][illegible][illegible]

بروزنده کلاسه شماره ۷۹۱۲۰/۱۵ دارالدعواتی ارومیه متهم آقای محمد شیخ ولی فرزند انتخاب وکیل تحت تعقیب این داداری بود که با توجه به مواردی در تاریخ ۱۳۴۸/۱۲/۱۴ قانون این دارالدعواتی چهارمایه عنوان در انقلاب در امور کثیری مصوب ۱۳۲۶، به امریاده اطلاع می نمود ظرف مدت یک ماه از تاریخ نشر این آیین جهت تفهیم احوال و احکامات و اطلاع از اتهام استنادی در انقلاب ۱۵ دارالدعواتی ارومیه واقع در شهرستان بوخده (در روزهای چهارم) دارالدعواتی ارومیه و انقلاب شهرستان ارومیه حاضر شود بدین اعتبار که صورتجلسه حضورش در یک ماه از تاریخ انتشار آیینی مطابق رسیدگی می نماید و تصمیم مقتضی اتخاذ خواهد شد. ۷۹۱۲۰/۳۱ فیض - دارالدعواتی ارومیه و انقلاب دارالدعواتی ارومیه

آقای احضار منم
 بشر برآمده کلاه شماره ۱۷۱۲۹۲۹۴ داداری دسامری ارومیه منم آقای یوسف چایی فرزند محو به اتهام ترک نفقه با داشتن حق انتخاب وکیل تحت تعقیب این داداری بوده، لذا با توجه به استوار بودن دلایل در احرامی منم ۱۷۴ داداری این دسامری دانهگاهی عمومی و انقلاب بر روی کتبی منم ۱۷۳۲۲، به امبرده ایام در وقت منم که داداری این استشار این عمومی جهت منم این منم و انجام تحقیقات و دفاع از اتهام استنسی خود در منم ۴ داداری دسامری ارومیه واقع در خیابان وحدت (درازه مهلباد) داداری عمومی و انقلاب استنسی حاضر شود بدیهی است در صورت عدم حضور پس از یک ماه داداری استشار آقای، خطایی مقررات رسیدگی راوی و تصمیم مقتضی اتخاذ خواهد شد. منم ۱۷۱۲۹۲۵ داداری دسامری عمومی و انقلاب شهرستان ارومیه فیضی- داداری شعبه ۴ داداری عمومی و انقلاب

آقای ایلخاندانش به خواننده گان معقول امکان
 پرونده کلاسه ۱۳۳۲ - ۹۶۹۸۴۹۹۰ - ششمیه دوم دهگانه انقلاب اسلامی دادگستری شهرستان ارومیه
 تصمیم نهایی
 اتهام : آقای جعفر طاروزاده فرزند عبدالله به نشانی اهل معنوی
 اتهام : فرار از دادرسی - ۱۰ سالت مورد رد خودواری اهل معنوی شنیدی به قصد میسر جلوه دادن وی
 (ای دادگاه)
 رد خصوص گیرفروشیست دادرسی عمومی و انقلاب ارومیه آقای جعفر طاروزاده فرزند عبدالله به متهم به
 فرار از دادرسی در خود رو بردگی به قصد میسر جلوه دادن دیگری در این معنوی ، محتوای پرونده ،
 و قراین و امارات اطمینان او رو چود من گراش امورات قانونی و سرچینسه جسد و توبین
 و تحقیقات دادرسیاتی و کلاسیک ، نتیجه ارایش مابین اهل معنوی حاضر اهل از مجریست
 پروکاری شنیدی به شرح ار صادر از دادگستری و گیرفروشیست این اهل علی ده حد حکایت به مورد ۱۳۴ و

پیشنهادسفر

روایتی درباره معماری مسجد جامع سمنان که دیدنش خالی از لطف نیست

کهن ترین اثر شهر

مسجد جامع سمنان را می‌توان کهن‌ترین اثر معماری پس از اسلام در شهر سمنان دانست که در طول زمان تا به امروز تغییرات بسیاری داشته است. در کتاب مرات البلدان صنیع‌الدوله آمده است: در حکومت عبدالله بن عمر، ثروتمندان سمنان مسجد کنونی شهر را ساختند، ولی این بنا دارای چندان شکوهی نبود. پس از آن بارها افراد زیادی بر بنای ابتدایی افزودند، برای مثال، گنبد باختری و شبستان شمالی را با مار خواجه‌وند، ابوسعید سمنانی و خواجه نظام‌الدین در دوران سلطنت سنجر سلجوقی ساختند و شبستان جنوبی را شیخ وکن‌الدین علاءالدوله سمنانی در زمان وزارت ارغون خان بنا کرد و چون خرابی به وجود آمده بود، در زمان فتحعلی شاه، ذوالفقار خان به تجدید آن پرداخت.



ایوان گنبد مقصوره

مسجد شرقی را خواجه کبیق‌باد بن ملک شرف الدین سمنانی ساخت. ایوان متصل به گنبد که ایوان آجری رفیع و بلند مسجد است و ارتفاع بیش از ۲۱ متر دارد در زمان سلطنت شاهرخ تیموری و به وسیله وزیرش خواجه شمس‌الدین علی بایلیجه سمنانی و با استفاده از مال خالص وی ساخته شده است. در قسمت فوقانی ایوان و بر بدنه آن کتیبه‌ای از کاشی وجود دارد که از ضلع شمالی ایوان شروع شده و پس از گذشتن از ضلع غربی تا انتهای جنوبی ادامه می‌یابد.دهنه دیوان ۱۰/۴۰ متر و در پشت آن مقصوره ای مربع شکل به طول و عرض ۱۴ قدم و به ارتفاع بیش از ۲۷/۵ متر وجود دارد که توسط گنبد سلجوقی پوشیده شده است و از طریق دو درب کوچک طرفین محراب ایوان به صحن مسجد و با چند درب بزرگ و کوچک به شبستان‌های اطراف راه می‌یابد. در پایین این کتیبه چند لوح سنگی بزرگ دیده می‌شود که مهم‌ترین آن‌ها دو لوحی است که مشتمل است بر فرمان‌های پادشاهان صفویه که برای اطلاع قاطبه اهالی سمنان در ایوان نصب کرده‌اند.

صحن مسجد

صحن مسجد جامع سمنان به شکل مستطیل است که طول آن ۲۷ متر و عرض آن ۲۵ متر است. شبستان شمالی مسجد جامع، شامل ۱۶ ستون مدور و قطور است که بر روی آن طاق‌های ضربی شبستان استوار شده است. شبستان شرقی به وسیله درب ورودی جنوب شرقی و شبستان جنوبی به وسیله درب شمالی از شبستان شمالی جدا می‌شود.

شبستان زمستانی

قدیمی‌ترین شبستان این مسجد موسوم به شبستان زمستانی در ضلع جنوبی مسجد است. این شبستان کاملاً به سبک خراسانی ساخته شده و در معماری آن سعی شده طاق‌ها کوتاه‌تر شوند. به همین دلیل شاید برای نخستین بار از طاق‌های کم خیز استفاده شده که از این حیث کاملاً مشابه طاق‌های مسجد تاریخانه دامغان است.

شبستان ابا حرب بختیار

شبستان دیگر که در ضلع شرقی قرار دارد شبستان اباحرب است و ساخت آن منسوب به کبیقباد بن ملک شرف‌الدین سمنانی وزیر امیر تیمور گورکانی است. قبلاً به جای این شبستان، شبستان کوچکی بوده که توسط امیر ابوالحرب بختیار حاکم قومن در دوره غزنویان بنا شده بود و سپس در زمان تیموریان شبستان مزبور را خراب کرده و شبستان بزرگ‌تری به جای آن بنا کردند. شبستان مزبور نیز از لحاظ معماری ستون‌ها شیبه مسجد تاریخ‌خانه دامغان است که به وسیله هشتی کوچکی با طاق گنبدی کم با تزیینات معقلی به فضای ۸ ضلعی بزرگی که به میدان جلوخان معروف است متصل می‌شود و از این طریق به بازار حضرت متصل می‌شود. بر بالای سر در آن ترکیبی از آجر و کاشی‌کاری‌های رنگارنگ به چشم می‌خورد که کلمات الله-محمد-علی-فاطمه-حسن و حسین را به نمایش می‌گذارد.

شبستان جنوبی

این شبستان در ضلع جنوبی مسجد و بر بالای شبستان زمستانی قرار دارد و مشتل بر ۱۶ ستون مدور در وسط و ۸/۵ ستون در طرف دیوار شرقی است که پایه‌های ۲۷ طاق شبستان را تشکیل می‌دهند. این شبستان در زمان ارغوان خان و به وسیله وزیرش شیخ علاءالدوله سمنانی احداث شده و در عهد سلطنت فتحعلی شاه قاجار تعمیر شده است.

شبستان شمالی

این شبستان مشتمل بر ۱۶ ستون مدور و قطور است که بر روی آن طاق‌های جنوبی شبستان استوار است. این شبستان توسط خواجه نظام‌الدین سمنانی بنا شده و درب نبش شمالی که مسجد را به خیابان امام خمینی و بازار علاءالدوله مربوط می‌کند و به صورت نفیسی منبت‌کاری شده است در کنار این شبستان قرار دارد.

مناره مسجد جامع

در گوشه شمال شرقی شبستان اباحرب بختیار، مناره‌ای به ارتفاع ۳۱۲۰ متر واقع است که درب ورودی آن در این شبستان گشوده می‌شود. این مناره از مناره‌های آجری و تاریخی است و به مناره مسجد جامع معروف است. طبق کتیبه‌ای که در اطراف مناره وجود دارد و به خط کوفی تزیینی است دستور ساخت مناره وجود دارد. دستور ساخت مناره سمنان را امیر اجل بختیار حاکم ایالت قومن در دوره غزنویان در سال ۴۱۷ صادر کرده است تزیینات مناره شامل تزیینات آجری است در ۷ بخش که با طرح‌های متنوع جلوه خاصی به بنا بخشیده است سه بخش انتهای تزیینات شامل سر و کلاهک مناره و مقرنس‌های آجری با پشت بغل‌های کوچک از کاشی به رنگ فیروزه‌ای در زیر تاج مناره است. تناسبی که بین این بخش‌ها از نظر تزیینات و طول آن‌ها برقرار است حاکی از آشنایی کامل هنرمندان این عصر به اصول زیبایی‌شناختی بوده است. این مناره که به مناره سلجوقی مسجد جامع نیز شهرت دارد در دوره سلجوقیان به مسجد اضافه شده است.

روایت‌هایی از بی‌بی عوده، پیری ماری والکمن، کلودیا، ام‌نور، آقا قدرت و… که هر کدام یکی از آدم‌های متفاوت زیارت پیاده اربعین هستند

کربلایی‌های سراسر دنیا



مسیحی؛ آدم‌هایی که هر کدام با یک مرام و مسلک و از یک کشور دور هم جمع شده‌اند. برای همین است که پیاده‌روی پر است از روایت‌های جالب و عجیب که ما اینجا چندتایی را برایتان آماده کرده‌ایم.

که بیشتر از قبل در چشم است و زائرانش سال به سال اضافه می‌شوند. فقط هم ایرانی نیستند. از هر جا که فکرش را بکنید سه چهار روز مانده به اربعین خودشان را می‌رسانند نجف. بینشان هم شیعه پیدا می‌شود، هم سنی و هم

امردم | حامد کمالی | می‌گویند پیاده‌روی اربعین به سبک و سیاق امروزی‌اش عمری ۴۰۰،۳۰۰ساله دارد. هیچ‌کس هم نتوانسته جلویش را بگیرد و نگذارد که بشود، حتی تک‌تیراندازهای صدام، اما این پیاده‌روی سه چهار سالی می‌شود

روایت دوم: پیاده‌روی اربعین ۴۰ سال قبل

شیخ احمد کافی را خیلی‌ها به عنوان منبری صاحب نفس سال‌های مانده به انقلاب به یاد دارند؛ منبری‌ای که مهدیه تهران از او به یادگار مانده و هنوز هم کم نیستند آدم هایی که پای کاسبت‌های ۴۰-۵۰ سال پیش او می‌نشینند! اما یک روایت جذاب و متفاوت از راهپیمایی اربعین دارد که حال و هوای ۴۰-۵۰ سال پیش این مراسم را نشان می‌دهد.

او می‌گوید: «خدا لطف کرده و من شاید نزدیک به سی سفر از نجف پیاده رفتم!م کربلا. سالی پنج دفعه می‌آمدیم. الان هم آقایان می‌آیند، علماء، مراجع، طلبه‌ها، فضلا، مدرسین از نجف. سالی پنج تا زیارتی مخصوص دارد آقا سیدالشهدا(ع). اول رجب و نیمه رجب و نیمه شعبان و عرفه و اربعین. این پنج تا زیارتی مخصوص است. ۱۰ تا ۱۰ تا، ۲۰ تا ۲۰ تا با هم می‌شوند، یک خرده نان خشک توی یک کیسه می‌کنند، یک خرده هم ماست و نعنای هم قاطی می‌کنند، یک خرده هم نمک برمی‌دارند. قبا و عیابشان را هم درمی‌آورند، تا می‌کنند و می‌گذارند توی کوله پشتی- کوله پشتی را هم پشت می‌گیرند و نعلین‌ها را می‌گذارند توش. یک خرده که از شب می‌گذرد از توی مدرسه‌ها و خانه‌ها می‌آیند بیرون و می‌روند توی حرم امیرالمؤمنین(ع). سلامی به آقا می‌کنند و می‌گویند: «علی(ع) جان داریم می‌ریم کربلا. امری نداری آقا؟»
داریم می‌ریم کنار قبر اباعبدالله(ع)». خیلی از کنار فرات می‌آمدیم، سه روز توی راه بودیم، روزی ۶ فرسخ می‌آمدیم، چه حال خوشی، توی راه بحث می‌کنند، حدیث برای هم می‌خوانند، مطالب دینی برای هم می‌گویند، دور هم می‌نشینند. تورا هم وقتی آدم می‌آید این‌عرب‌ها مضیف درست کرده‌اند، مضیف یعنی میهمان‌خانه. تشریفاتی نیست، چهار تیکه حصیر روی هم انداخته‌اند، یک حصیر هم انداخته‌اند زیر دست و پا و میهمان‌خانه شده. دوره سال بیچاره برنج می‌کار، برنج را می‌گذارند کنار، به بچه‌هایش نان می‌دهد و خرما توی آن هوای گرم، عوض هندوانه آب فرات، عوض خورشت خرماها.. می‌گیرند می‌خورند و یک خرده برنج را که دارند می‌گویند: «صبر کنید این زوار سیدالشهدا(ع) بیایند.» این زوار که می‌آیند، به التماس می‌آیند جلوی این‌ها و این‌ها را می‌برند اینجا یک لقمه درست می‌کنند و می‌دهند پهبشان. بالا سر این‌ها می‌ایستند، فانوس دست می‌گیرند، ظرف دوغ و آب دست می‌گیرند و به این‌ها می‌دهند.. وقتی هم که این‌ها خوردند، هر چی ماند دست می‌گیرند، حتی در همان جمعیت دوش‌شان هر کدام یک خرده می‌دهند و می‌گویند: «این‌ها را بخورید، این‌ها را باقیمنده‌های غذای زوار سیدالشهداست(ع)». این چه حسن نبی است؟ این چه اخلاصی است؟ این چه عقیده‌ای است! این چه ایمانی است؟ این چه صفای درونی است؟ این چه دلی است؟ خوشا به حالشان».

روایت اول: بی‌بی عوده

خیلی‌ها فکر می‌کنند که روزهای منتهی به اربعین فقط این عراقی‌ها هستند که موکب می‌زنند و زائر امام حسین(ع) را روی سرشان می‌گذارند و با جان و دل از او پذیرایی می‌کنند. در حالی که موکب‌ها در واقع از همین ایران خودمان شروع می‌شود و مرزنشین‌هایمان اولین کسانی هستند که میزبان زائران پیاده امام حسین(ع) می‌شوند. آن‌ها هر چیزی را که دارند در طبق اخلاص می‌گذارند و می‌آورند که آن سال امام به زندگی‌شان برکت بدهد. «بی‌بی عوده رحمانی» را احتمالاً آن‌هایی که از مرز شلمچه راهی کربلا می‌شوند، دیده و میهمان موکب بی‌ریایش شده‌اند؛ پیرزن ۸۰ ساله‌ای که از قضا مادر شهید هم هست. بی‌بی عوده اهل روستای سرخانه به خرمشهر است، با ۲ پسر و چهار دختر. همسرش را هم از دست داده، اما اندوخته و پس انداز یک سال خود را وقف زائران امام حسین(ع) کرده و هر روز صبح با یک زیرانداز کوچک، فلاکس چای و یک ظرف خرما موکی کوچک را در مسیر عبور زائران برپا می‌کند. همه آرزویش هم این است که یک‌بار با پای پیاده در اربعین برود کربلا! آرزویی که هنوز محقق نشده است. بی‌بی عوده را اما اهالی خرمشهر از روزهای جنگ بی‌شناسند. خودش تعریف می‌کند که در هشت سال جنگ تحمیلی تا زمانی که خرمشهر به دست بعثی‌ها اشغال نشده بود غذاهای محلی و نان می‌پخت و برای رزمنده‌ها می‌پرد.

روایت چهارم: عمود۱۷۲

عمود ۱۷۲ در مسیر نجف به کربلا مکان خاصی است و خیلی از آن هایی که دارند پیاده‌روی می‌کنند، خبر ندارند قبری که در حسینیه نزدیک این عمود قرار دارد، متعلق به زنی فرانسوی است که خودش وصیت کرده تا در این مسیر دفن شود. نام اصلی‌اش «پیری ماری والکمن» است. مثل همه اروپایی‌ها در خانواده‌ای به دنیا آمده که همه‌شان از صدر تا ذیل مسیحی کاتولیک بودند و از قضا شدت معتقد به اصول مسیحیت، برخلاف بقیه غیرمسلمان‌ها که معمولاً در دهه ۴۰ و ۳۰ زندگی‌شان متحول می‌شوند و به اسلام علاقه پیدا می‌کنند، خانم والکمن در ۱۸سالگی مسلمان و شیعه شد. اسمش را هم گذاشت «مریم ابوالذهب». مریم دانش آموخته رشته علوم سیاسی از دانشگاه پاریس بود و سال‌ها در مؤسسه ملی زبان‌ها و تمدن‌های شرقی (INALCO) در پاریس به عنوان استاد و پژوهشگر فعالیت می‌کرد. او را اما بیشتر از همه، با فعالیت‌ها و روشنگری‌هایش درباره وضعیت شیعیان پاکستان و افغانستان می‌شناسند. شاید اگر او نبود و نقش فعالی در منعکس کردن وضعیت فاجعه آمیز ومظلومانه شیعیان پاکستان وافغانستان ایفا نمی‌کرد، شاید امروز هیچ کدامان نمی‌فهمیدیم که دارند چه بلایی بر سر این شیعیان مظلوم می‌آورند. فضای آکادمیک و تبلیغاتی غرب هنوز هم سخنرانی‌های او درباره مظلومیت شیعیان پاکستان و افغانستان را فراموش نکرده است. ابوالذهب طی سفرهای خودش به خاورمیانه چندین بار به زیارت عتبات عالیات رفت و با استادان دانشگاهی و مراجع عظام نجف دیدار کرد. در یکی از همین سفرها بود که وصیت کرد تا پس از مرگش در مسیر زائران اربعین دفن شود. یکم نوامبر ۲۰۱۷، مریم ابوالذهب فوت کرد و طبق وصیتش در نجف تشییع و در حسینیه‌ای در جاده نجف به کربلا در نزدیکی عمود شماره ۱۷۲ به خاک سپرده شد.

روایت پنجم: ۱۸سال و ۲ ماه و ۹روز

عکس شهدای بسیج مردمی عراق را در مسیر زیاد دیده بودیم، حتی در سفرهای قبلی هم به خانه چندتایی از شهدا سرزداییم. سال قبل هم به عیادت چند مجروح حشدالشعبی رفتم؛ اما خانه «شهید علی حسین عبدالزهر» با بقیه فرق داشت. قبل از ما چند نوجوان عراقی که به سختی سن‌شان به ۱۷ سال می‌رسید میهمان خانه بودند. پدر شهید می‌گفت که دوستان سابق علی هستند و مشتری‌های هر ساله‌اش.. از ذی‌قار آمده بودند. خود را جمع‌وجور کردم و پرسیدم: علی موقع شهادت چندساله بود؟ گفت: ۱۸ سال و ۲ ماه و ۹ روز». پدر است دیگر، علی‌اکیرش را مگر می‌تواند از یاد ببرد؟

صحنتمان گل انداخته بود. پرسیدم همین یک پسر را داشتید؟ گفت: «شهید علی به فتوای آیت‌الله سیستانی به جبهه رفت و با تکفیری‌ها جنگید. برادر بزرگ‌تر شهید علی هم جانباز شده، اما برای کسب رضایت آیت‌الله خامنه‌ای به سوریه رفته تا با داعشی‌ها بجنگد. برادر کوچک شهید علی هم هنوز به سن قانونی نرسیده وگرنه..»

در این خانه همه چیز بر مبنای شهید علی تعریف می‌شد و من باز با خودم فکر می‌کردم که چه‌طور می‌شود ۸ سال با هم جنگیده باشیم؛ در حالی که در کوره‌دهات‌های عراق، کربلایی‌حسین‌هایی هستند که علی‌اکیرب‌های خودشان را برای کسب رضایت رهبر کشور همسایه‌شان به جبهه می‌فرستند! با محاسبات دو دو تا چهار تایی دنیایی که به جایی نمی‌رسیم، علی‌اکیرب‌های خمینی تکثیر شده‌اند.. اما پدر شهید علی یک پاسخ قانع کننده برای همه سؤال‌هایم داشت: «اما و شما با هم برادریم، مگر می‌شود برادر به کمک برادر رود؟! بزرگ‌تر و بهتر از این پدر مگر پدر دیگری هم هست؟!»

روایت هفتم: آقا قدرت

به لطف گوشی‌های موبایل هوشمند و شبکه‌های اجتماعی مختلف، هرسال بیشتر از قبل تصاویر و روایت‌های مختلف و جالبی از پیاده‌روی اربعین منتشر می‌شود. امسال اگر هشتگ زائر خبرنگار را در اینستاگرام جست‌وجو کنید، کلی فیلم و عکس می‌بینید که زائرهای پیاده اربعین در فضای مجازی به اشتراک گذاشته‌اند. حکایت آقا قدرت یکی از پست‌هایی است که این چند روزه حسابی دارد دست به دست می‌چرخد و منتشر می‌شود؛ روایت آدمی که یک پایش معلولیت دارد، اما راضی نشده پیاده به کربلا نرود: «قدرت فقط نامش نیست خصیصه اصلی‌اش است. با پشتکار تصمیم گرفته امسال طریق الحسین را با پای پیاده طی کند. می‌گوید چند سالی است خودش را در اربعین به کربلا می‌رساند، اما با ماشین می‌رود. امسال عزمش را جزم کرده تا جایی که پایش اجازه می‌دهد پیاده برود. از شهرستان‌های اطراف خمینی‌شهر اصفهان خودش را به نجف رسانده‌!ما شکسته شدن پای کمک‌اش نتوانست مانع از هدفش شود. در بین راه مردم ایرانی و عراقی با دیدنش همه التماس دعا دارند و با خنده به درخواستشان پاسخ می‌دهد. همراهش می‌گوید همه در بین راه از او می‌خواهند که با ماشین ادامه مسیر بدهد اما دلش راضی نیست…»

روایت هشتم: من مسلمان نیستم!

یک چادر عربی مشکی پوشیده و یک سرپند «یا حسین» هم به سرش بسته است. هرکس به ظاهرش که نگاه کند، یک درصد هم به ذهنش خطور نمی‌کند که او اصلاً مسلمان نیست. می‌گوید اسمم کلودیاست، مسیحی هستم و از ایتالیا آمده‌ام. بعد هم با بغض ادامه می‌دهد: «همه می‌گویند تو را امام حسین(ع) به اینجا دعوت کرده است. امیدوارم که این‌طور باشد. من خوشحال هستم که امسال توانستم خودم را به این مراسم برسانم، چون حضور در این‌جا یکی از آرزوهایم بود و حالا برآورده شده است. در این مسیر میلیون‌ها آدم درحال پیاده‌روی هستند و حالا من هم یکی از آن‌ها شدم. من امروز تازه فهمیدم که امام حسین(ع) فقط یک نفر و یک امام نیست، بلکه یک سبک زندگی و راه روش است. من اسمش را گذاشتم‌ام زندگی در دل حقیقت.»

خبر

به همت انتشارات «به‌نشر»

نشست «ادبیات دینی؛ چیستی، اصول و عناصر» برگزار می‌شود

معاون تولید به‌نشر (انتشارات آستان قدس رضوی) از برگزاری نشست «ادبیات دینی؛ چیستی، اصول و عناصر» با تأملی دوباره در حوزه ادبیات دینی و با حضور سید علی محمد رفیعی، نویسنده و منتقد ادبی امروز ششم آبان در دفتر انتشارات آستان قدس رضوی واقع در خیابان کارگر شمالی، بعد از چهارراه نصرت، کوچه شهید طاهری، برگزار می‌شود. وی به حضور علاقه مندان به حوزه ادبیات دینی در این نشست اشاره کرد و افزود: این نشست به عنوان آغاز سلسله جلساتی است که قرار است در آن تجربه‌های نوشتن در ارتباط با حوزه دین برای کودکان و نوجوانان پیگیری و بررسی شود.

معاون تولید به‌نشر با بیان اینکه خروجی این جلسات تدوین کتابی با عنوان «ادبیات دینی، چیستی، اصول، مبانی و شگردها» بر مبنای سخنرانی جناب آقای رفیعی خواهد بود، خاطرنشان کرد: در جلسات آینده این نشست‌ها که با حضور نویسندگان ادبیات دینی در حوزه کودک و نوجوان برگزار خواهد شد، کتابی با محتوای تجربه‌های نویسندگان حوزه دین که قصه‌های دینی برای کودکان و نوجوانان نگارش می‌کنند، تهیه و تدوین خواهد شد.

وی بهبود کیفیت ادبیات داستانی دینی را بر مبنای تجربه‌های نویسندگان از مسیری که تاکنون طی شده است، هدف اصلی برگزاری سلسله نشست‌های «ادبیات دینی؛ چیستی، اصول و عناصر» دانست و تصریح کرد: در برگزاری این نشست‌ها از ۴۰ نفر از نویسندگان حوزه ادبیات داستانی دینی که در این چهار دهه برای ادبیات دینی قلم زده‌اند دعوت شده است که به مرور در این مراسم حضور پیدا خواهند کرد.

وی ابراز امیدواری کرد: برگزاری این گونه نشست‌ها به منظور ارتقای کیفیت حوزه ادبیات داستانی دینی مسیر بهتری در آینده این حوزه داشته باشد. یادآور می‌شود، از سید علی محمد رفیعی تاکنون ۱۴ عنوان کتاب تألیفی، ترجمه و تصحیح در حوزه‌های دین، ادبیات و مدیریت منتشر شده است و افزون بر صدها مقاله کوتاه و یادداشت در نشریاتی که در آن‌ها مسئولیت داشته و دهه‌ا نقد و مقاله تحقیقی در روزنامه‌ها و مجلات معتبر به چاپ رسیده است.

رفیعی داور کتاب سال جمهوری اسلامی ایران (۱۴ دوره)، داور کتاب فصل (از آغاز) و داور دوره هایی از کتاب سال ولایت، جشنواره مطبوعات، کتاب سال و جشنواره مطبوعات کانون پرورش فکری و نوجوان، جشنواره قصه‌های قرآنی و جشنواره گام اول بوده است.

نمایش «دبوار» با حضور سام درخشانی روی صحنه می‌رود

ادب و هنر: نمایش «دبوار» کاری مشترک از حامد رحیمی نصر و نادر علیمردانی امروز میهمانانی ویژه خواهد داشت؛ میهمانانی که دلیل حضورشان، همدلی با

نگاه همکارانشان در عرصه گویندگی است.

نمایش «دبوار» امروز ۶ آبان میزبان اعضای برجسته انجمن گویندگان و مدیران گفتار فیلم ایران(مدیران دیولاز) به اتفاق برخی از هنرمندان از جمله سام درخشانی خواهد بود. نمایش «دبوار» سایکودرامی ضد جنگ است که توسط حامد رحیمی نصر و نادر علیمردانی کارگردانی شده و متن آن را غفور شکوری اصل به رشته تحریر درآورده است.

این نمایش که تا پایان آبان همه روزه در سالن شماره ۳ پردیس تئاتر شهرزاد به روی صحنه می‌رود توسط حمیدرضا زمانی تهیه‌کنندگی شده است. حامد رحیمی نصر و نادر علیمردانی بازیگران این اثر نمایشی هستند که مرداد ماه نیز نمایش «خون آشام کشی» را در تئاتر شهرزاد روی صحنه بردند.

گفتنی است، تهیه‌کننده این اثر حمیدرضا زمانی، مجری طرح سپید فیلم و نویسنده آن غفور شکوری اصل است.

دکتر خیرآبادی در شب شعر «چله اشک»:

تعدد شاعران آیینی خوب بی نظیر است

جلیل فخرایی: شب شعر آیینی «چله اشک» به مناسبت ایام اربعین حسینی در مشهد با حضور شاعران فعال در حوزه شعر آیینی و قدردانی از برخی سرایندگان این اشعار برگزار شد. دکتر عباس خیرآبادی، استاد ادبیات دانشگاه، دوره حاضر را دوره شکوفایی شعر آیینی دانست و گفت: در هیچ دوره‌ای از تاریخ ادبیات ما شعر آیینی به اندازه امروز رونق نداشته است. بی‌اغراق می‌توان گفت شعرهای زیبایی که امروز گفته شده‌اند، در هیچ دوره دیگری نبوده‌اند.

این شاعر آیینی در ادامه خاطرنشان کرد: شعر آیینی در دوره صفوی بویژه همزمان با سلطنت شاه طهماسب در ایران رواج یافت.

در این دوره شاه طهماسب برای رواج شعر آیینی تلاش می‌کند و حتی شاعران عاشقانه سرا را از سرایش اشعار عاشقانه منع می‌کند. این امر موجب مهاجرت شاعران به منطقه‌ای به نام «بیم پور» در هندوستان گردیده و در نهایت موجب می‌شود تا سبک شعر هندی پدید آید.

گفتنی است در این مراسم شاعرانی همچون عطیه انظام، منیژه رضوان، سهیلا قربانی، نجمه دلدار، الهه بیات مختاری، مجتبی ابوالقاسمی، فرامرز اکبری و... به شعرخوانی پرداختند.

نگاهی به شعر و زندگی طاهره صفارزاده به بهانه سالروز درگذشتش

شاعری که مانند شعرش می‌زیست

| ادب و هنر /
خدیجه زمانیان |دکتر طاهره صفارزاده شاعر آبان است؛ ۲۷ آبان ۱۳۱۵ در سیرجان به دنیا آمد و ۴ آبان ۱۳۸۸ زندگی را وداع گفت. صفارزاده در خانواده‌ای سرشناس و اهل فرهنگ و ادب به دنیا آمد، در پنج سالگی پدر و مادرش را از دست داد و با خواهر و برادرانش همراه مادر بزرگش زندگی کرد. مادر بزرگی که چشم‌پزشک و شاعر بود و ذوق ادبی خود را به نوه کوچکش هم منتقل کرد. به تازگی سالروز درگذشت این بانوی شاعر بود. به همین بهانه گفت‌وگویی با منیژه آرمین راجع به شعر و شخصیت صفارزاده انجام داده‌ایم، که می‌خوانید.

طاهره در کرمان به مدرسه رفت و تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در این شهر سپری کرد. در ۱۳ سالگی اولین شعرش را سرود و توانست از دست استاد باستانی‌پاریزی که آن زمان دبیرستان بهمن‌یار بود، اولین جایزه ادبی‌اش را در یک جلد دیوان جامی بود، هدیه بگیرد.

در امتحان ورودی دانشگاه در رشته‌های حقوق، زبان و ادبیات فارسی و زبان و ادبیات انگلیسی قبول شد و در رشته زبان و ادبیات انگلیسی لیسانس گرفت. او برای ادامه تحصیل به انگلستان و سپس به آمریکا رفت. طاهره صفارزاده شاعر، مترجم و پژوهشگری است که در همه این ابعاد فعالیت‌های زیادی انجام داده و صاحب نظر است.

انتشارات سوره مهر در سال ۱۳۸۸ کتابی را با عنوان «نیضم» را بگیر، همه‌هم بودن دارد» منتشر کرده است. این کتاب که درباره زندگی و شعر طاهره صفارزاده است نوشته منیژه آرمین و فاطمه ابراهیمی است.

منیژه آرمین در سال‌های حیات این بانوی شاعر و پژوهشگر به خاطر نوشتن رمانی بر اساس زندگی او و همچنین همکاری در مجله «هنر دیداری» دو سال با این شاعر مروده و همکاری نزدیک داشته است.

این نویسنده در خصوص ویژگی شخصیتی طاهره صفارزاده در همان ابتدای گفت‌وگو بر شخصیت قاطع این بانو تأکید می‌کند و می‌گوید: «صفارزاده از نظر شخصیتی، قاطع بود و هر گز تحت تأثیر موج‌های فرهنگی و یا سیاسی زمانه قرار نگرفت و از مواضع خودش پایین نیامد. این ویژگی شخصیتی مختص خانم صفارزاده بود و برای همین همیشه در ذهن من ماندگار شد».

تفکر و تجربه‌های جهانی

طاهره صفارزاده را به عنوان شاعر، مترجم و پژوهشگر می‌شناسیم. از آن افرادی که بر

صنایع‌فرهنگی

تغییر زمان جشنواره شعر و داستان «جوان سوره»



فارس: زمان برگزاری شانزدهمین جشنواره شعر و داستان «جوان سوره» از ۲۷ و ۲۸ آبان ماه به ۱۲ و ۱۳ آذر ماه تغییر کرد.

به دلیل همزمانی شانزدهمین جشنواره شعر و داستان جوان سوره با نمایشگاه «کتاب گیلان» و در نظر گرفتن فرصت بیشتر برای داوری بهتر و دقیق‌تر آثار، برگزاری این رویداد ادبی به ۱۲ و ۱۳ آذر ماه موکول شد. این جشنواره پیش از این قرار بود در روزهای ۲۷ و ۲۸ آبان ماه در شهر برگزار شود.

گفتنی است نمایشگاه کتاب گیلان با هدف ترویج فرهنگ کتاب و کتابخوانی از ۲۶ آبان ماه در رشت آغاز به کار می‌کند.

شانزدهمین جشنواره شعر و داستان جوان سـوره نیز در دو بخش اصلی شعر و داستان و بخش ویژه مدح پیامبر(ص) و وحدت به همت مؤسسه فرهنگی و هنری سپهر سوره هنر و با همکاری مرکز آفرینش‌های ادبی حوزه هنری برگزار خواهد شد.

نصرت‌الله قادری:

دانشگاه در ورود به ادبیات جدید اهمال کرده است

که هدف از برگزاری آن ترویج داستان کوتاه است، نویسندگان، داستان‌های کوتاه خود را برای علاقه‌مندان می‌خوانند و تجربیات خود را در این زمینه با دیگران به اشتراک می‌گذارند.

نصرت‌الله قادری، نویسنده و نمایشنامه‌نویس درباره این جلسات گفت: سیدمهدی شجاعی در ادبیات و هنر، عمدتاً کارهایی انجام می‌دهد که پیشرو است و از این منظر، نوعی ریسک‌پذیری بالایی را دارد. از جمله این کارهای ارزشمند می‌توان به راه‌اندازی انتشارات نیستان، مجله نیستان و... اشاره کرد که تاوان زیادی هم برای اندیشه‌هایش داده است.

وی ادامه داد: جلسه «کوتاه با داستان» یکی از ایده‌هایی بود که سال‌های متمادی کسی به آن توجه نمی‌کرد، چرا که در حال حاضر، توجه زیادی به داستان کوتاه نمی‌شود. حتی اگر از دید دگردانیشان نیز نگاه کنیم، می‌بینیم که جلسات، عمدتاً با حضور نویسندگان برگزار می‌شود اما اینکه بخواهند یک داستان بخوانند و راجع به آن صحبت شود، کمتر انجام می‌شود.

قادری توجه به داستان کوتاه را توجه به دیگر ژانرهای هنر دانست و گفت: حقیقت این است که داستان کوتاه علاوه بر اینکه در ادبیات قدرت بسیاری دارد، در زمینه سینما و تئاتر نیز تأثیرگذار است. این تأثیرگذاری از این جهت است که بسیاری از نویسندگان با این زمینه



«صفارزاده در دوران قبل و بعد از انقلاب عضو گروه‌های روشنفکری بود اما اکنون اسمی از او در گروه‌های روشنفکری نیست که به‌نظم این مسئله قابل توجه است و باید ریشه‌یابی کرد که چرا چنین اتفاقی افتاده است.»

گنجانده شود، در حالی که ویژگی‌های شوری و زبانی اشعار صفارزاده مغفول مانده است».

برگزارکننده نخستین کارگاه نقد عملی ترجمه نه تنها در شعر که او در همه زمینه‌ها نوگرا بود. دکتر صفارزاده پایه‌گذار آموزش ترجمه به عنوان یک علم و برگزارکننده نخستین کارگاه «نقد عملی ترجمه» در دانشگاه‌های ایران محسوب می‌شود. او با هدف علمی‌سازی

و سامان‌بخشی به ترجمه در ایران، با موافقت استادش به جای شرکت در کلاس به منظور تدوین یک روش جامع و کاربردی، با مراجعه به کتابخانه‌ها و کتابفروشی‌ها به مطالعه، یادداشت‌برداری و گردآوری نوشته‌ها، سخنرانی‌ها و عقاید صاحب‌نظران درباره روش ترجمه پرداخت و روش مورد نظر خود را پیدا کرد. براساس این مطالعات از ابتدای تدریس خود در ایران روشی مبنی بر شناخت و تطبیق مفهومی، دستوری و ساختاری دو زبان مبدأ و مقصد ابداع کرد و این شیوه توسط بسیاری از همکاران او مورد استفاده قرار گرفت.

«طاهره صفارزاده در تمام زمینه‌ها دارای افکار نو بود و این نو بودن به مذاق خیلی‌ها خوش نمی‌آمد. البته موضع گیری در مقابل افکار و نظریه‌های نو هنوز هم در دانشگاه‌های ما وجود دارد. با آنکه پایه گذار علم ترجمه در دانشگاه

بود اما دیدگاه او مورد توجه قرار نگرفت. او معتقد بود در هر ترجمه‌ای، شخص مترجم باید به موضوع اشراف داشته باشد، مثلاً اگر در مورد هنر، ترجمه می‌کند باید خودش هنرمند باشد یا کارشناس هنری باشد و در ترجمه، کلمه به کلمه ترجمه نکند بلکه به مفهوم توجه داشته باشد».

به گفته آرمین، دکتر صفارزاده ترجمه‌های زیادی را نقد کرد و مخالفان زیادی هم پیدا کرد: «به اعتقاد او همه چیز قابل نقد است و می‌توان به اثر هنری نگاهی منتقدانه داشت و آنچه در افواه و ذهن‌ها ثبت شده وحی منزل نیست او هیچ چیز را همان طور که بود، قبول نمی‌کرد. بسیاری این روحیه صفارزاده را

نمی‌شناختند و فکر می‌کردند این بانوی بزرگوار با آن‌ها عناد و دشمنی دارد»

ترجمه شاعرانه از قرآن

صفارزاده اما تنها در حوزه ترجمه زبان انگلیسی فعالیت نداشت. یکی از فعالیت‌های مهم صفارزاده ترجمه قرآن است که سال‌ها در این حوزه فعالیت کرد و نتیجه آن ترجمه قرآن به نام «قرآن حکیم» بود. او در کتاب «ترجمه مفاهیم بنیادی قرآن مجید» به یکی از کاستی‌های مهم ترجمه‌های فارسی و انگلیسی، یعنی عدم ایجاد ارتباط ناهای خواندن (اسماء الحسنی) با آیات قرآن دست یافته است.

به پیشنهاد صفارزاده درسی با عنوان «بررسی ترجمه‌های متون اسلامی» در برنامه درسی گنجانده شد که تدریس این واحد درسی موجب تحولی در اشکال‌های معادل‌یابی

این برخورد علمی موجب شد او قرآن را به دو زبان انگلیسی و فارسی ترجمه کند. کتاب قرآن حکیم حاصل ۲۷ سال مطالعه قرآن مجید، آموختن زبان عربی و تحقیق و یادداشت‌برداری از تفاسیر و منابع قرآنی است که از رجوع به قرآن برای کاربرد در شعر شروع شد و با ترجمه

آن به دو زبان پایان یافت. همین فعالیت‌ها بود که باعث شد صفارزاده در سال ۱۳۸۰ لقب «خادم‌القرآن» را دریافت کند.

«من با ایشان درباره ترجمه قرآن گفت‌وگویی داشتم. او شاعر بود و بر کلمات احاطه داشت. ترجمه قرآن باید بسیار شاعرانه

است. این ترجمه از نظر ادبی اهمیت بسیاری دارد. البته روح شاعری که بر ترجمه غلبه دارد به معنای نادیده گرفتن محتوا و معنای قرآن نیست. اما اعتقاد داشت، ترجمه قرآن باید مفهومی باشد و نه کلمه به کلمه. البته در همان زمان هم ترجمه ایشان از قرآن با مخالفت‌های زیادی روی روه رد شد که البته او به این مخالفت‌ها اهمیتی نمی‌داد.

منیژه آرمین در پایان این گفت‌وگو در خصوص ویژگی دیگر دکتر صفارزاده صحبت کرد. این ویژگی روشنفکر بودن این پژوهشگر و در عین حال داشتن روحیه مذهبی این بانوست:

«صفارزاده در دوران قبل و بعد از انقلاب عضو گروه‌های روشنفکری بود اما اکنون اسمی از او در گروه‌های روشنفکری نیست که به‌نظم این مسئله قابل توجه است و باید ریشه یابی کرد که چرا چنین اتفاقی افتاده است».

این نویسنده در ادامه گفت: «از زمان مشروطیت به بعد شاهد اتفاقی هستیم که هر روشنفکری فکر می‌کرد باید با ضدمذهب باشد یا کاری به مذهب نداشته باشد که متأسفانه این تفکر تا به امروز هم کشیده شده است. در حالی که روشنفکر واقعی باید مانند دکتر صفارزاده باشد. روشنفکر بودن چه منافاتی با اعتقاد و پایبندی به مذهب دارد؟

در حال حاضر هم دولت‌های مختلف بر سر کار می‌آیند. در روز تولد و یا سالمرگ ایشان نامی از او می‌برند و بعد شخصیت و همه زحماتی که او برای فرهنگ این سرزمین کشید فراموش می‌شود، در حالی که زندگی و شخصیت دکتر صفارزاده به دلیل فراز و فرودهایی که داشته می‌تواند برای نوجوانان و جوانان امروزی جذاب باشد».

ادبیات

فارس: تیزر تلویزیونی کتاب «احضاریه» که در یازدهمین دوره پویش مطالعاتی روشنا معرفی شده، در زمان سه دقیقه و سی ثانیه و به همت دبیرخانه این پویش تولید شده است.

رمان «احضاریه» تازه‌ترین اثر علی مؤذنی است و در قالب یک اثر دینی در رفت و برگشت بین گذشته و حال، روایتی از زندگی یک روزنامه نگار نویسنده است که برای سفر به کربلا نه دعوت که احضار می‌شود و در خلال داستان به بخش‌های کمتر روایت شده زندگی حضرت زینب(س) و پنج تن آل عبا(ع) پرداخته است.

یازدهمین دوره پویش مطالعاتی روشنا با محوریت کتاب «احضاریه» مهر تا دی‌ماه سال ۱۳۹۷ برگزار می‌شود و طی آن این رمان با قیمتی ویژه برای مخاطبان عرضه می‌شود. شرکت‌کنندگان در این پویش می‌توانند در کنار مطالعه کتاب از امکان بهرمنسندی از ۱۴ جایزه یک میلیون تومانی و یک جایزه ۱۰ میلیون تومانی نیز برخوردار شوند.



تنها چیزی که بعد از دین یک اثر در ذهن مخاطب باقی می‌ماند، رسوب شخصیت آن کاراکتر در اوست که به کمک داستان به او منتقل می‌شود. اگر ما بتوانیم قدرت داستان‌پردازی را بالا ببریم و به آن اهمیت بدهیم، به دنیای نمایشنامه‌نویسی نیز بسیار کمک می‌کند.

او در پایان صحبت‌های خود گفت: موضوعی که مهم است این است که تعداد آدم‌هایی که پای در این وادی می‌گذارند و به این اندیشه‌ها می‌رسند، در تمام زمینه‌ها بسیار محدود و کم است.

اگر سیستم فرهنگی ما به این کاری که انجام می‌شود، کمک کند و نخواهد در آن دخالت کند، فرهنگ کشور بارور می‌شود. اگر به تاریخ ادبیات‌مان نگاه کنید، می‌بینید که حرکت‌ها فردی است و دلیل همه‌ای که به این اندیشه وارد می‌شود، نیازمند حرکت جمعی هستیم و این حرکت به دلیل تسلط اقتصاد بر دنیا هیچ راهی ندارد که دولتمردان کمک کنند. امیدوارم که آنان به حرکت‌هایی از این دست کمک کنند تا جریان پیدا کند.

گفت‌وگوی قدس با کارگردان مستند «اربعین: حقیقت جاری»

عشق سیدالشهداعلیه‌السلام هر قوم و نژادی را گرد هم می‌آورد



اسیما و سینما؛ صبا کریمی | در آستانه فرا رسیدن اربعین حضرت امام حسین(ع) شبکه پرس تی وی مستند «اربعین: حقیقت جاری» (Arba'een Truth Lives on) را روی آنتن می‌برد. این مستند محصول سال ۲۰۱۸ شبکه پرس تی وی است و محمدرضا محمدی نجات کارگردانی آن را برعهده داشته است.

«اربعین: حقیقت جاری» با چند تن از شخصیت‌های بین المللی از کشورهای مختلف همراه شده و در بستری از روایات قیام امام حسین(ع) به بررسی و واکاوی مشکلات و چالش‌های زندگی در دنیای مدرن می‌پردازد. این مستند در گفت و گو با صاحبزنان آشنا

است و خوشبختانه بازخوردهای خیلی خوبی هم

از کار گرفتیم.

♦ **به افرادی که در این سفر حضور داشتند اشاره کردید، افرادی که از نژادهای فرهنگ‌های متفاوتی کنار هم جمع شده بودند، به نظر شما وجه اشتراک این افراد که آن‌ها را به چنین هدف واحدی رسانده بود چیست؟**

به نظر من وجه اشتراک همه این افراد نگاه فطری آن‌هاست. فطرت چیزی است که انسان پس از سال‌ها به آن برمی گردد. اگر ما با فطرت آدم‌ها کار داشته باشیم و سعی کنیم از منظر فطرت به آن‌ها نگاه کنیم و خودمان نیز از همین منظر با مسائل روبه رو شویم خیلی از این حجاب‌هایی را که در دنیای امروز گریبانگیر ماست، می‌توانیم کنار بزنیم و به یک زبان مشترک دست پیدا کنیم که فراتر از نژاد، مرزهای جغرافیایی، قومیت و حتی زبان است. من سعی کردم که نه فقط در این کار بلکه در بسیاری از کارهایی که انجام می‌دهم به این وجه اشتراک فطری در افراد توجه کنم.

♦ **علاوه بر گفت‌وگوهایی که داشتید شاهد چه چیزهایی در این مستند خواهیم بود؟**

♦ **آقای محمدی نجات چند سالی است که سنت پیاده‌روی اربعین بنا نهاده شده اما چه شد که شما سال گذشته در این سفر تصمیم به ساخت چنین مستندی گرفتید؟**

صادقانه باید بگویم پیش از سفر اربعینی که سال گذشته رفتم هیچ ایده خاصی راجع به این مستندی که امروز ساخته شده است، نداشتم. در مراسم اربعین سال گذشته هیئتی از کشورهای مختلف دنیا براساس یکسری ویژگی‌هایی انتخاب شده بودند که الزاماً همه آن‌ها مسلمان و شیعه هم نبودند و به این سفر مشرف شدند. در واقع کسانی که در این سفر حضور داشتند دستچین شده‌ای از کشورهایمانند آمریکا، اروپا، آمریکای لاتین و نقاط مختلف دنیا بودند و از من خواسته شد این جمع را همراهی کنم و گزارشی از سفر آن‌ها در ایام اربعین و به صورت مستند ارائه دهم. در واقع این پیشنهاد از سوی شبکه پرس تی وی مطرح شد. وقتی با این افراد مواجه شدم و تجربه سفر اربعین را مرور کردم احساس کردم شاید بتوان جلوتر از این هم رفت. در طول این سفر تقریباً هفت هشت روز اول فقط صرف این شد که با این افراد آشنا شویم و نگاهشان را بشناسیم. تولید مسا فقط معطوف به این بود که یکسری تصاویر عمومی از کسانی بگیریم که در حال دعا و انجام اعمال مذهبی یا در حال ساخت مستند بودند و در سفر اربعین حضور داشتند. طی دو سه روز آخر که شناخت ما از شرایط افراد بیشتر شده بود و تجربه همراهی با آن‌ها را پیدا کرده بودیم، حس کردم می‌توان کاری جدی‌تر از این انجام داد که فقط بگوئیم زائران کجا رفتند و با چه کسانی ملاقات کردند یا کجا غذا خوردند و خوابیدند.

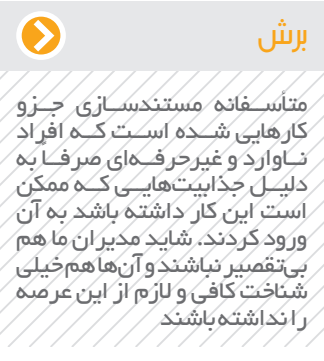
♦ **پس شما مستند را به سمت دیگری هدایت کردید؟**

بله. در واقع به چیز دیگری فراتر از گزارش احوال روزمره این افراد دست پیدا کرده بودم که متوجه شدم می‌توان خیلی از آن فراتر رفت و سعی کردم به مشکلاتی که گریبانگیر بشر امروز و در واقع جوامع مدرن است بپردازم. به طور مثال به مشکلاتی که سیاه پوست‌ها در طول زندگی شان و به دلیل تفاوت رنگ و نژاد با آن درگیر بودند نگاه عمیق تری داشتم؛ یا اروپاییانی که تجربه اسلام را در جوامع غیرمسلمان داشتند و هرکسی که به هر قومیت، فرهنگ و نژادی و آنجا حضور داشت، به احای مختلف سعی کردم آن‌ها را با این تجربیاتشان مواجه کنم و بازخورد آن را بگیرم. زمانی که این کار را روی میز مونتاژ بردیم و شروع به دسته بندی کارها کردیم، یک اتفاق خیلی عجیبی افتاد و آن هم این بود که چیزی فراتر از انتظار خودمان و حتی چیزی که به ما مسافرش داده شده بود به وجود آمده بود. قرار بود این مستند گزارشی از سفر عده‌ای باشد که یکسری ویژگی‌های خاصی دارند و از کشورهای مختلفی می‌آیند اما ما این مستند را فراتر بردیم و در نهایت برای شخص من تجربه خاص و متفاوتی شد و فکر می‌کنم حتماً حکمتی در این ماجرا بوده

با واقعیت‌های جهان امروز و فعالان عرصه مبارزه با ظلم و تبعیض، راه حل‌ها و راهکارهای مناسب برای حل مشکلات و معضلات زندگی امروز بشر را با استفاده از ظرفیت‌های قیام امام حسین (ع) و یاران باوفای ایشان در کربلا مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد. مستند «اربعین: حقیقت جاری» جمعه ۴ آبان ساعت ۱۸:۳۰ به وقت تهران از شبکه پرس تی وی پخش خواهد شد و تکرار این برنامه شنبه در ساعات ۲۰:۳۰ و یکشنبه ساعت ۱۷:۰۰ روی آنتن می‌رود. به انگیزه پخش این مستند با کارگردان آن به گفت وگو نشستیم که مشروح آن را می‌خوانید:

♦ **قیام امام حسین(ع) از عظیم‌ترین وقایع تاریخی است و برای کسانی که در عرصه فیلمسازی و مستند کار می‌کنند و دغدغه دارند موضوع جذاب و مهمی است. شما که تجربه ساخت مستندی درباره اربعین را پشت سر گذاشتید معتقدید چه شش‌اصه‌هایی برای تولیدات این چینی ضرورت دارد؟**

به نظر من فراتر از مقوله اربعین با ساخت مستندهای مذهبی، به طور کلی در تولید مستند باید یک نگاه حرفه‌ای داشته باشیم و باید بدانیم که برای چه مخاطبی آن را می‌سازیم. متأسفانه مستندسازی جزو کارهایی شده است که افراد نسل‌وارد غیر حرفه‌ای صرفاً به دلیل جذابیت‌هایی که ممکن است این کار داشته باشد به آن ورود کردند. ما خیلی نیروهای غیرحرفه‌ای در عرصه مستند داریم که متأسفانه خروجی کارشان ارتباط درستی با مخاطب برقرار نمی‌کند و قابل تحمل نیست. شاید مدیران ما هم بی‌تقصیر نباشند و آن‌ها هم خیلی ساخت کافی و لازم از این عرصه را ندانسته باشند و در نتیجه به نگاه‌های غیرحرفه‌ای میدان بدهند. این افت بزرگی است و مردم را در طولانی مدت دلزده خواهد کرد.



این کار یک نسخه بلند هفتاد دقیقه‌ای و یک نسخه ۵۰ دقیقه‌ای دارد که نسخه دوم برای پرس تی وی آماده شده است و به دلیل محدودیت‌های باکس پخش در دو قسمت پخش خواهد شد. از نژاد، مرزهای جغرافیایی، قومیت و حتی زبان علاوه بر گفت‌وگوها و مصاحبه‌هایی که داشتیم تصاویر میدانی و هوایی از مراسم اربعین و حرم حضرت اباعبدا(ع) و بین الحرمین هم داریم. اسامال هم درگیر رساندن این کار به پخش مستم و آرزو دارم هر سال این توفیق دست بدهد و در این مراسم حضور داشته باشم.

به نظر من اولین ویژگی مستند جذاب بودن و انرژی داشتن است و لازمه آن این است که مستندساز دانش آن را داشته باشد و به وفور آن را تجربه کرده باشد. از طرفی دیگر ساخت مستند بشدت به تحقیق نیازمند است، به اتخاذ رویکردهای مناسب، داشتن نگاه و خلاقیت احتیاج دارد. اگر مستندی واجد این شرایط باشد حتماً مخاطب با آن ارتباط برقرار می‌کند و می‌توانیم بگوئیم کاری با این ویژگی‌ها موفق است و البته اگر هر کدام از این شرایط وجود نداشته باشد می‌تواند به اعتبار کار مستند لطمه وارد کند.

به بیانی دیگر باید بگویم مستند یعنی استاندارد کردن به چیزی و اینکه ارجاع استنادی در آن مطرح است. این در حالی است که بسیاری از مستندهای ما یک گزارش صرف خام دستانه و دم‌دستی است و ارجاع مستدلی در آن وجود ندارد. برخی مستندهای دیگر ظاهر خوبی دارند اما اصلاً مستند نیستند و کار استنادی در آن‌ها انجام نشده و همه آن بازسازی است. کاری که مطلقاً بازسازی است قاعداً سندی هم در آن وجود ندارد. این‌ها نکاتی است که باید در مرزبندی‌هایمان به آن توجه کنیم.

♦ **پرس تی‌وی یک شبکه بین‌المللی و جریان ساز است. به نظر شما این شبکه تلویزیونی چقدر به‌ساخت چنین برنامه‌هایی بها می‌دهد و کندوکاوی که در این عرصه انجام می‌دهد تا چه اندازه موفق بوده است؟**
شبکه پرس تی وی به لحاظ فهم موقعیت و فهم مخاطب در ایران و در جنگ نرم این روزها حرف اول را می‌زند. عمدتاً ما هم به این دلیل که بسیاری از برنامه‌های شبکه‌های داخلی به دلیل مشکل زبان شاید در خارج از کشور زیاد دیده نشود و همین مسئله نقش شبکه پرس تی وی را بسیار بیشتر می‌کند. اما محدودیت‌هایی هم وجود دارد. واقعیت این است که کار مستند به شدت زمان‌بر و هزینه بر است. برای یک مستند یک ساعته شاید نیاز باشد یک گروه یک سال مداوم کار کنند و این محدودیت‌ها خارج از حالت طبیعی خودش است و دست مدیران پرس تی وی را بسته است. معتقدم پرس تی وی نوک سرسریزه جنگ نرم است. نقش این شبکه هم در دیپلماسی عمومی و هم به لحاظ ارتباطی که نیاز داریم در عرصه بین‌المللی با جهان داشته باشیم، بسیار مهم است. به نظر من حتماً لازم است که با یک نگاه کلان‌تر و ویژه‌تری به نیازهای این شبکه پرداخته شود. این شبکه منحصر به فرد است و شبکه‌ای مانند آن در ایران نداریم که چنین گستره نفوذی داشته باشد و به این شکل موضوعات بپردازد. شما به شبکه‌های داخلی نگاه کنید. اگر یک شبکه‌ای نتواند کاری انجام دهد شبکه دیگری این مسئولیت را به دوش می‌کند اما پرس تی وی مدای جایگزینی ندارد. در دنیا نه فقط دوست بلکه دشمنان ما هم چشمشان به پرس تی وی است و آن را زبان جمهوری اسلامی می‌دانند، لذا باید برای آن انرژی بیشتری صرف کنیم.

فرش زنگنه

سینما و سینما

یکشنبه ۶ آبان ۱۳۹۷

۱۵ | ۱۸ صفر ۱۴۴۰ | ۲۸ اکتبر ۲۰۱۸ | **سال سی و یکم** | شماره ۸۸۱۷ |

خبر

خاطرات فرنگیس در قاب سینما

تسنیم: سازمان سینمایی حوزه هنری در نظر دارد بر اساس رمان «فرنگیس» (خاطرات فرنگیس حیدرپور) اثر برگزیده جایزه کتاب سال دفاع مقدس به قلم مهناز فتاحی فیلم سینمایی بسازد. رمان فرنگیس به روایت خاطرات زنی شجاع (فرنگیس حیدرپور زنی کرمانشاهی) که در دفاع می‌توانست سرباز دشمن را اسیر کند و نیروی دشمن را به خاک و خون بکشد، می‌پردازد. کتاب «فرنگیس» یکی از آثار قابل تأمل در زمینه حضور تأثیرگذار زنان در دوران دفاع‌مقدس است که خاطرات فرنگیس حیدرپور، کرده و بر ثبت خاطراتش تأکید داشتند و این بهانه‌ای شد تا خاطرات این هنری آغاز شده است.

رهبر معظم انقلاب در سفرشان به کرمانشاه به این بانوی بزرگ اشاره کرده و بر ثبت خاطراتش تأکید داشتند و این بهانه‌ای شد تا خاطرات این شیرزن به رشته تحریر درآید.

نرگس آبیار با «شبی که ماه کامل شد» به جشنواره فجر می‌رود

فارس: تازه‌ترین ساخته نرگس آبیار در سی‌وهفتمین جشنواره فیلم فجر رونمایی می‌شود. سازندگان فیلم سینمایی «شبی که ماه کامل شد» تصمیم دارند تا تازه‌ترین ساخته نرگس آبیار را به سی‌وهفتمین جشنواره ملی فیلم فجر ارسال کنند. شنیده‌ها حاکی از آن است که فرم جشنواره توسط تهیه‌کننده این فیلم برترشی می‌شود و اولیه فیلم بزودی به دبیرخانه سی‌وهفتمین جشنواره ملی فیلم فجر ارسال می‌شود. نرگس آبیار پس از ساخت فیلم سینمایی «فس» فیلم سینمایی «شبی که ماه کامل شد» را تولید کرده است. این فیلم در حال حاضر مراحل فنی را پشت سر می‌گذارد و نسخه نهایی آن احتمالاً اواخر دی‌ماه آماده می‌شود.

الناز شاکر دوست و هوتن شکیبا دو بازیگر نقش اصلی این فیلم هستند. «شبی که ماه کامل شد» روایتگر داستان زندگی دختر جوانی از مناطق جنوب شهر تهران است که درگیر عشق جوانی شهرستانی می‌شود و این در حالی است که دختر به دلایلی مجبور به مهاجرت از ایران است. در این مسیر برادرش با او همراه می‌شود؛ اما در میانه راه، اتفاقاتی برای آن‌ها رقم می‌خورد که خط اصلی داستان فیلم را تشکیل می‌دهد. این فیلم به تهیه‌کنندگی محمدحسین قاسمی تولید شده است.

حضور محمد مهدی خالقی با ۳ مستند در جشنواره مقاومت

چندی پیش، عناوین مستندهای راه یافته به مرحله مسابقه سینمای ایران پانزدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت اعلام شد. در این بخش از میان بیش از ۳۰۰ عنوان مستند رسیده به دبیرخانه جشنواره، ۶۲ عنوان مستند انتخاب شدند. محمد مهدی خالقی، کارگردان و مستندساز کشور با ۳ اثر در این جشنواره حضور دارد.

خالقی در این مورد گفت: در جشنواره مقاومت اسمال سه کار پذیرفته شده دارم. در دو فیلم، کارگردان هستم و در فیلم دیگری نیز تهیه‌کننده هستم. یکی از کارها مستند «پسرم» هست و فیلم دوم نیز مستند «رؤیای رویتگیاب» است که به مسئله آوارگی مسلمانان میانمار می‌پردازد. وی درباره مستند «پسرم» توضیحاتی داد و گفت: مستند «پسرم» را دو سال پیش ساختم. این مستند درباره زندگی شهید محمدرضا خاوری از شهدای افغانستانی لشکر فاطمیون است که فراز و فرودهای زندگی او از زبان مادرش بیان می‌شود. مادر این شهید بزرگوار به عنوان راوی کار در برابر دوربین ما ایستاده است و ماجرای زندگی پسرش را روایت می‌کند. این مستند بهترین مستند کوتاه بخش شهید آوینی جشنواره حقیقت دو سال پیش شد و در جشنواره «رویش»، «حسنت» و... نیز جوایز زیادی را دریافت کرد.

خالقی به مستند پذیرفته شده دیگر خود که به عنوان تهیه‌کننده در آن حضور دارد، اشاره کرد و گفت: مستندی که در آن تهیه‌کننده هستم و در بخش نهایی جشنواره مقاومت حضور خواهد داشت، مستند «چشم به راه» است. این مستند با موضوع شهدای مدافع حرم است و کارگردانان آن علی معتمد خاکی و مجتبی آسمانی هستند.

پانزدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت همزمان با هفته بسیج از ۵ تا ۹ آرمه به دبیری محمد خزاعی در تهران برگزار خواهد شد.

نگاه صرف اقتصادی مانع تنوع تولیدات سینمایی شده است

مهر: مجید مظفری با تأکید براینکه گردش مالی سینمای ایران به اندازه‌ای نیست که شرایط پولشویی در آن وجود داشته باشد، از داشتن نگاه صرفاً اقتصادی در سینما در سال‌های اخیر انتقاد کرد.

وی با اشاره به اینکه پیش‌شرط ساماندهی مسائلی همچون دستمزد بازیگران سینما شکل‌گیری صحیح اصناف است، گفت: خانه سینما در تمام این سال‌ها تلاش‌هایی در این زمینه داشته است، اما ارشاد بیشتر برپایه همین استدلال عمل می‌کرد که تهیه‌کننده و سرمایه‌گذار آزادند و هر که می‌خواهند و هر چقدر می‌خواهند پرداخت داشته باشند. همین شرایط هم باعث شکل‌گیری روندی در سینمای ایران شده که ملاک فروش در آن فقط «بازیگر» است.

فروش را تأکید کرد: البته هستند هنرمندانی که تلاش می‌کنند و موفقیت‌های خوبی هم به دست آورده‌اند، اما این نگاه صرف اقتصادی که یک تهیه‌کننده روی یک بازیگر و تیپ پر فروش برای تولید اثر مشابه سرمایه‌گذاری می‌کند، جلوی نگاه‌های تازه و تنوع تولیدات را می‌گیرد.

بازتاب

نگاهی به سه دهه فعالیت کمال تبریزی در سینما و پروژه‌هایی که آرزوی ساختشان را دارد

از «شطرنج با ماشین قیامت» تا تردیدی که مانع ساخت فیلم امام موسی صدر شد

این سنن و سال نگه دارم خیلی کارهای دیگر را نیز که هنوز در رؤیایم دارم؛ می‌توانم انجام بدهم.

♦ **سه پروژه‌ای که آرزو داشته بسازد**
کمال تبریزی همزمان با سالروز تولدش با خبرگزاری اسپنا گفت‌وگویی داشت که در آن از سه پروژه‌ای که آرزو داشته بسازد، اما نساخت و پیشنهادش برای پخش «سرزمین کهن» و سرنوشت فیلم امام موسی صدر سخن گفت.

این کارگردان سینمای ایران همزمان با ۵۹ سالگی در پاسخ به پرسشی مبنی بر اینکه آیا فیلمی بوده که آرزوی ساخت آن را داشته باشد، اما آن را نساخته است؟ گفت: خیلی تمایل داشتم که سه نوشته ویژه را به فیلم برگردانم که متأسفانه تا امروز و به دلایل مختلف امکان ساخت آن‌ها برابم فراهم نشده است و به نظرم هرکدام در نوع خود بسیار زیبا و درخور فرهنگ و هنر ایرانی هستند و جای آن‌ها در سینمای متنوع ایران خالی است؛ یکی از این‌ها رمان زیبای حبیب احمدزاده است به نام «شطرنج با ماشین قیامت»، دوم فیلمنامه دقیق و متفاوتی آقای محمدرضا گوهری درباره شهید حسن باقری است و سومی هم فیلمنامه اوقتی که موسی گریست» نوشته زیبای آقای گوهری است که هیچ وقت به مرحله تولید نرسید!

♦ **هنوز این روحیه سرکشی در من وجود دارد**

این کارگردان در گفت‌وگویی که چند سال قبل به بهانه برگرداشتند در جشن سینما داشت، بخشی از دوران کودکی، نوجوانی و فعالیت‌های سه دهه حضورش در سینما را مرور کرد. کمال تبریزی برخلاف نام فامیلش کارگردان در پاسخ به اینکه پس از سه دهه فیلمسازی کجا ایستاده است؟ گفته بود: بعد از این سه دهه فیلمسازی، هنوز دلم نمی‌خواهد خودم را در زائر خاصی محدود کنم؛ بنابراین هنوز این روحیه سرکشی و رفتن به فضاهای مختلف در من وجود دارد.

نمی‌خواهم در سینما دستور زبان مشخص سینمایی برای خودم تعریف کنم و بگویم حالا که کمال تبریزی به اینجا رسیده دیگر بهتر است مثلاً فقط فیلم کمدی بسازد؛ بنابراین هر فیلمی که می‌سازم احساس می‌کنم اولین فیلمی است که می‌سازم و هنوز مشتاقم به ژانرهای مختلف سر بزنم و اگر ساخت فیلمی در ژانری پیشنهاد شود که تا به حال کار نکرده‌ام، حتماً استقبال می‌کنم. کارگردان فیلم اکران نشده «خیابان‌های آرام» در ادامه مطرح کرده بود: با این ویژگی‌هایی که مطرح کردم سینما برایم لذت بخش است چون پابلی ندارد و یک جور بازیگوشی است که خود به خود آدم را سرحال نگه می‌دارد؛ با این شرایط اگر بتوانم کنجکاو جوانی را در



را ساخت که جوایز متعددی در جشنواره‌های مختلف جهانی، از جمله جایزه بهترین فیلم جشنواره برلین در بخش کودکان و نوجوانان و جایزه بهترین فیلم در جشنواره‌های زلین (چک، قاهره (مصر)، امپیا (رومان)، سنول (کره جنوبی) و چهارصد ضربه (کانادا) را به دست آورد.

فیلم‌های دیگر کمال تبریزی عبارتند از: شیدا (سال ۱۳۶۹)، «فرش باد» و «گاهی به آسمان نگاه کن» (در سال ۱۳۸۱)، «فرش باد» در همین سال جایزه فیلم منتخب تماشاگران و همچنین جایزه ویژه هیئت داوران جشنواره بین المللی فیلم فجر وانجمن منتقدان را دریافت کرد. تبریزی، کارگردانی چند سریال تلویزیونی را نیز در کارنامه خود دارد؛ از جمله سریال «قصه‌های رودخانه» (سال ۱۳۷۸)، پروژه‌ای مشترک میان کشورهای ایران و مالزی، سریال «دوران سرکشی» (سال ۱۳۸۰) و مجموعه‌ای درباره «شهریار» -شاعر پارسی‌گوی ایرانی (۱۳۸۵) و سریال «سرزمین کهن» که پخش آن نیمه‌کاره متوقف شد.

بعد از این، تبریزی فیلم سینمایی «مارمولک» (۱۳۸۲) را می‌سازد که در جشنواره بین‌المللی فیلم فجر سیمرغ بلورین بهترین فیلم مردمی را از آن خود می‌کند و در سال ۱۳۸۳ فیلم سینمایی «یک تکه نان» که در جشنواره فیلم فجر، جایزه ویژه هیئت داوران را در بخش مسابقه سینمای ایران و جایزه بهترین کارگردانی را در بخش مسابقه بین الملل (سینما معناگر) به خود اختصاص می‌دهد.

این کارگردان سال ۱۳۸۶ فیلم «همیشه پای یک زن در میان است» را می‌سازد و سال ۱۳۸۸ «دوئده زمین»

کلیدها

بیکاری و بیماری



کار بهترین تفریح است و عین فرح است و شادی است و شادی‌بخش است. بنابر شواهد بیماری افسردگی بیشتر در میان زنان در کلاشهرها رواج دارد و مشخصه مهم کلاشهرها بیکاری بانوان است. زن روستایی هزار و یکی مشغله و مسئولیت و کار داشت و نگهداری چند بچه حداقل کارش بود. در کنار پچه‌ها مراقبت از چندین رأس دام و طیور و بعضی اوقات یک باغچه یا مزرعه کوچک خانگی هم از او یک مدیر کوچک می‌ساخت که غفلت از هر کدام از شئون مدیریتی برایش کلی تبعات داشت. از آن طرف در دل سختی کار، لذت بازگشتن با سطل پر شیر از طویله یا با سبد پر از تخم‌مرغ از کاهدانی هم بود و لذت چیدن سبزی تازه از باغچه و هزار و یک لذت دیگر که وقتی با خستگی‌ها و مسئولیت‌ها ضرب می‌شد فرصتی برای اندوه و بیماری و بحران هویت و اختلال شخصیت و چه و چه باقی نمی‌ماند. زن امروز اما بحران معنا دارد و این بحران مولود وضعیت مدرن است. وسایل خودکار، همه خرده کارهای او را بر عهده گرفته‌اند و خانه کوچک شده است و فرهنگ و آموزش صنعتی مدرن، فرزندآوری را منسوخ و منغور کرده است. لذا زنان بیکارتر از همیشه‌اند. این را علاوه کنید به تحصیلات دانشگاهی نامتناسب که سبب می‌شوند وجود گرامی بانوان از معلومات و تخصص‌ها و آرزوها و هواهایی پر شود که در نود و نه درصد موارد زمینه‌بروز نمی‌یابد. این طوری است که مجموعه نظامات زندگی مدرن دست اندرکار تولید بیماری بی‌معنایی و بی‌هویتی و افسردگی شده‌اند. راه نجات واقعی تکثیر مراکز مشاوره و واردات انواع اوهام غربی درباره شخصیت و هویت و شادی و غم نیست، بلکه راه نجات در این است که برای این انسان شبه مدرن و بویژه برای زن شهری کاری درخور برایش‌م و تعریف کنیم. در خیابان‌های شهر، بسپارند دختران و زنان جوانی که در وسط بولوارها، به عنوان مهندس فضای سبز و غیره روی سر کارگران جوان ایرانی و افغانستانی می‌چرخند. بی‌شک این راه به ترک‌ستان می‌رود و این شأن زن ایرانی نیست. هر کسی این مسئولیت را به عنوان یک رشته دانشگاهی تعلیم داده است و هر کسی که ایشان را به کار گرفته است نمی‌دانسته و نمی‌داند که چه می‌کند. باید نیازهای ما پاسخ‌هایی از جنس تمدن ما داشته باشند و گرنه روز به روز در منجلاب التقاط و تذبذب بیشتر فرو خواهیم رفت.

نشریات جهان

ایستگاه / امیر محمد سلطان نور

تصادف برگزیت



به دره است. تأکید می‌کند: صدمه‌ای که این خروج به بریتانیا می‌زند بیشتر از آن چیزی است که مردم این کشور تصور می‌کنند.

توهم دقیق انسان

هفته‌نامه علمی نیوساینتیست در تازه‌ترین شماره خود در پرونده‌ای به جدیدترین یافته‌ها در مورد حافظه انسان پرداخته است. این نشریه حافظه انسان را «توهمی دقیق» لقب داده که احساس «خود» را در انسان به وجود آورده است. در این پرونده پرسش‌های زیادی در که خصوص حافظه مطرح می‌شود مانند: «واقعاً حافظه برای چه به مغز گنجانده شده» یا «چه چیزهایی را فراموش می‌کنیم» و «آیا می‌توان به حافظه اطمینان کرد» را پاسخ داده و البته چند راهنمایی نیز برای تقویت حافظه برای خوانندگانش منتشر کرده است.

بحران بدهی‌های ایتالیا

هفته‌نامه اشپیکل چاپ آلمان با طراحی روی جلد به ظاهر ساده اما پر معنی خود، به مشکلات بدهی شدید ایتالیا به اتحادیه اروپا و احتمال فساد اقتصادی گسترده این کشور می‌پردازد. پرچم ایتالیا روی جلد به گونه‌ای طراحی شده که سکه یورو در میان آن در حال له شدن است. اشپیکل در مقاله خود با عنوان «باج» از تلاش ایتالیا برای طفره رفتن از پرداخت بدهی‌هایی می‌گوید که این کشور از اتحادیه اروپا گرفته یونان جدید بدل کند.

گزارش از شخص

پرونده کثیف یک دلال سیاسی

از «جورج نادر» و نقشه‌هایش برای ایران چه می‌دانید؟

ایستگاه/ مجید تربت زاده| برای اینکه متهم به «توهم توطئه» نشویم، دست به دامن روزنامه‌ها و رسانه‌های آمریکایی می‌شویم. پایگاه «دیلی بیست» دو سه روز پیش در یک افشاگری مدعی شد به اسنادی دست یافته است که نشان می‌دهد مقام‌های عربستان و تیم انتقالی دولت آمریکا در سال ۲۰۱۷ پیش از برگزاری مراسم تحلیف ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ، به مدت دو روز درباره چگونگی «تغییر نظام ایران» در نیویورک رایزنی کرده‌اند. اگر به دیلی بیست و گزارش‌هایش بدبین هستید، می‌توانید روزنامه نیویورک تایمز، ۱۹ به ۲۰۱۸ را بخوانید که نوشته بود: «دو روز پیش از برگزاری مراسم تحلیف ترامپ، «جورج نادر» طرحی برای ایجاد خرابکاری اقتصادی در ایران آماده و تحویل مقامات عربستان، امارات و آمریکا داده بود و مشخص نیست که آیا این طرح مورد تأیید آن‌ها قرار گرفته یا بخشی از پروژه بزرگ‌تری برای تغییر نظام در ایران است.»

خاشقچی را فراموش کنید

البته واضح است که دغدغه «دیلی بیست» در این افشاگری، ایران و سرنگونی نظام جمهوری اسلامی نیست. این پایگاه اینترنتی، خبر کهنه و قدیمی نشست سال ۲۰۱۷ عربستانی‌ها با مقام‌های دولت تازه کار ترامپ را بهانه می‌کند تا درباره «حمد العسیری» حرف بزند که فرستاده «بن سلمان» و معاون دستگاه اطلاعاتی سعودی‌ها بوده و هفته پیش به دلیل دست داشتن در قتل «خاشقچی» از کار برکنار شده است. بهانه‌ها نیز برای نوشتن گزارش از شخص امروز نه قتل خاشقچی و نه احمد العسیری است. در این مطلب کمتر درباره‌اش شنیده یا خوانده باشید. نکته تازه و جالب در گزارش افشاگرانه «دیلی بیست» این است که کمک می‌کند زیر باران و رگبار خبرهای قتل خاشقچی، وقتی که رسانه‌های اسم و رسم دار غربی، دنیا را روی سرشان گذاشته‌اند و نمی‌گذارند مخاطبان به چیزی جز «خاشقچی» و اخبار پیرامونش فکر کنند، کمی هم به دیگر ماجراهای پشت پرده را برای تغییر نظام در ایران داشته باشند البته نه ماجرای تازه‌ای است و نه افشاگری درباره آن می‌تواند برای مخاطبان جالب باشد. اما اینکه «جورج نادر» لبنانی الاصل، بنشیند یا «بن سلمان» و در دسته دولتمردان «ترامپ» فالوده بخورد و برای تغییر نظام در ایران، فلک را سقف بشکافد و طرحی نو در اندازد، جذاب و خواندنی است.

تاجر و روزنامه نگار

تاجر، دلال یا لابی گر آمریکایی سال ۱۹۵۹ در لبنان به دنیا آمده و در نوجوانی و در حالی که هنوز زبان انگلیسی را درست نمی‌دانست برای ادامه تحصیل به آمریکا مهاجرت کرد تا بعدها در دانشگاه «کلیولند» درس بخواند. سال ۱۹۸۰ دانشگاه را نیمه تمام گذاشت تا شرکتی با نام International insight را راه بیندازد.

این شرکت بعدها تبدیل به مجله‌ای به همین نام شد و البته مدتی بعد به «میدل ایست اینسایت» تغییر نام داد تا به تشریه‌ای

معروف که دیدگاه شخصیت‌ها و جریان‌های مختلف را درباره خاورمیانه منتشر می‌کرد، تبدیل شود. بیشتر شهرتش هم مربوط به مصاحبه‌هایی بود که با شخصیت‌های سرشناس انجام می‌داد. مجله آقای تاجر که شعارش روشنگری برای مردم جهان درباره خاورمیانه بود، نمی‌دانیم به چه دلیل تا سال ۲۰۰۲ بیشتر منتشر نشد. «جورج نادر» از سال ۲۰۰۰، واشنگتن را ترک می‌کند و ساکن کشورهای مختلف خاورمیانه می‌شود. این‌هایی که نوشتیم، لایه اول زندگینامه ساده و معمولی اوست، اما روایت‌های رسمی و غیر رسمی از زندگی و فعالیت‌های جلو و پشت پرده «جورج نادر» اطلاعات جالب توجه و گاه حیرت انگیزی را پیش روی شما قرار می‌دهد.

ناگهان ناپدید شد!

«جورج نادر» نه تنها برای من و شما بلکه برای بسیاری از شخصیت‌ها و اندیشمندان غربی هم، موردی جالب توجه و البته پُر رمز و راز به حساب می‌آید. «شبی لانهایی» کارشناس مؤسسه بروکینگز و استاد دانشگاه مریلند درباره او می‌گوید: «کم پس از آغاز فعالیت سیاسی و مطبوعاتی خود کم کم به عنوان «مرد در سایه» شهرت پیدا کرد معلوم نبود دستور کار سیاسی خاصی دارد یا صرفاً یک فرصت‌طلب سیاسی است یا اینکه به دنبال کسب ثروت است. او همیشه می‌خواست به قدرت وصل شود و به افرادی که فکر می‌کند بازیگران قدرت هستند،

دسترسی داشته باشد.» این استاد دانشگاه چندان بیره هم نمی‌گوید، چرا که وقتی به سال‌های پایانی دهه ۹۰ میلادی بر می‌گردیم، «جورج نادر» را به عنوان یک واسطه در ماجرای آزادی گروگان‌های آمریکایی در لبنان می‌بینیم. در حالی که در این دوران او باید به عنوان مدیر مسئول و همه کاره مجله معروفش در آمریکا حضور می‌داشت. «هارتین ایندیک» سفیر سابق آمریکا در اسرائیل می‌گوید: «جورج نادر در دهه ۹۰ به عنوان فردی که در مذاکرات صلح بشدت فعال است، زیر نظر بود اما به ناگاه ناپدید شد.» در واقع می‌توان ماجرای تعطیلی ناگهانی و مشکوک نشریه «میدل ایست اینسایت» و همچنین خروج بی مقدمه‌اش از

آمریکا و زندگی در خاورمیانه و به قول «هارتین ایندیک» ناپدید شدنش را، بخش‌های مختلفی از پازل زندگی و مشغولیت‌های او دانست که اگرچه در ظاهر ارتباطی به هم ندارند اما اگر درست کنار هم چیده شوند، تصویری واقعی‌تر از او را به دست می‌دهند.

متخصص آزار و اذیت جنسی

برای اینکه مطلبمان خسته کننده نشود، مجبوریم وسط یک بحث کاملاً سیاسی و تخصصی، کمی هم از سوابق و تخصص‌های غیر سیاسی «جورج نادر» بنویسیم. او سابقه چند بار حضور در دادگاه و سپس زندانی شدن را هم دارد. در پرونده او یک مورد احضار مربوط به سال ۱۹۸۵ دیده می‌شود که نشان می‌دهد «جورج نادر» در رد و بدل کردن عکس‌ها، مجلات و فیلم‌هایی از استعمار جنسی پسران خردسال هلندی دست داشته و به همین دلیل اخطار دریافت کرده است. سال ۱۹۹۱ اما مسئله جدی‌تر شده و یک دادگاه فدرال در ویرجینیاد او را به اتهام رد و بدل کردن فیلم‌های ویدیویی از شکنجه‌های جنسی کودکان در آلمان محکوم کرده است. البته در این ماجرا، دادستان، موافقت کرد «نادر» تنها ۶ ماه در زندان بماند و پس از آن، پرونده به دلیل «ماهیت بسیار حساس کار آقای نادر در خاورمیانه» مسکوت بماند. سال ۲۰۰۲ اما دادگاهی در شهر پراگ جمهوری چک، حاضر نشد از ۱۰ مورد اتهام سوء استفاده جنسی از پسران نوجوان بسادگی به عنوان «مرد در سایه» شهرت پیدا کرد معلوم نبود دستور کار سیاسی خاصی دارد یا صرفاً یک فرصت‌طلب سیاسی است یا اینکه به دنبال کسب ثروت است. او همیشه می‌خواست به قدرت وصل شود و به افرادی که فکر می‌کند بازیگران قدرت هستند، دسترسی داشته باشد.»

این استاد دانشگاه چندان بیره هم نمی‌گوید، چرا که وقتی به سال‌های پایانی دهه ۹۰ میلادی بر می‌گردیم، «جورج نادر» را به عنوان یک واسطه در ماجرای آزادی گروگان‌های آمریکایی در لبنان می‌بینیم. در حالی که در این دوران او باید به عنوان مدیر مسئول و همه کاره مجله معروفش در آمریکا حضور می‌داشت. «هارتین ایندیک» سفیر سابق آمریکا در اسرائیل می‌گوید: «جورج نادر در دهه ۹۰ به عنوان فردی که در مذاکرات صلح بشدت فعال است، زیر نظر بود اما به ناگاه ناپدید شد.» در واقع می‌توان ماجرای تعطیلی ناگهانی و مشکوک نشریه «میدل ایست اینسایت» و همچنین خروج بی مقدمه‌اش از آل سعود، گاه در اختیار کاخ

سفید، گاه راغ‌را صهیونیست‌ها و بیشتر از همه مشاور مورد اعتماد حکام امارات متحده عربی است. چند سالی است که تحلیلگران، «نادر» را بیشتر از همه به خاطر روحیه ضد ایرانی‌اش می‌شناسند و یا از او به عنوان رابط میان ابوظبی و کاخ سفید یاد می‌کنند. خرداد ماه امسال برای نخستین بار «نیویورک تایمز» پس از افزایش کمک‌های مالی عربستان و امارات به «ترامپ» در انتخابات ریاست جمهوری از طرح مخفیانه «نادر» برای بی‌ثبات کردن ایران پرده برداشت. او در سفر به ریاض و دیدار با مقام‌های نظامی و اطلاعاتی رژیم عربستان گفته بود جنگ اقتصادی و تحریم‌تها راه براندازی نظام ایران است. طرح او مبتنی بر خرابکاری در رشد اقتصادی ایران به وسیله جلوگیری از سرمایه‌گذاری شرکت‌های غربی و همچنین هدایت عملیات‌هایی برای ایجاد بی‌اعتمادی در میان مقام‌های ایرانی بود. «نیویورک تایمز» نوشته بود: «نادر» هزینه اجرای این طرح را برای مقام‌های آمریکایی، اماراتی و سعودی ۳۰۰ میلیون دلار برآورد کرده بود.

رفیق فابریک «بن سلمان»

مقام‌های عربستانی بعداز افشاگری رسانه‌ها، طبق معمول هرگونه ارتباط دیپلماتیک آشکار و پنهانی با «نادر» را تکذیب کردند. به همین دلیل «نیویورک تایمز» عکس‌ا را منتشر کرد که «محمد بن سلمان» و «نادر» را در حالتی بسیار صمیمانه و در حالی‌که تقریباً یکدیگر را در آغوش گرفته و می‌خندند، نشان می‌داد. «نادر» بعدها در دیدار با نزدیکان «ترامپ» و ارائه پیشنهاد‌های ضد ایرانی‌اش برای اثبات نزدیکی خود و «بن سلمان» این تصویر را به آن‌ها نشان می‌داد. البته عکس‌های بسیاری را همین مقدار از صمیمیت نیز موجود است که «نادر» را در کنار « نتانیاهو» و دیگر مقام‌های رژیم صهیونیستی و یا در کنار ترامپ نشان می‌دهد. برخی از رسانه‌های آمریکایی برای اینکه ثابت کنند «ترامپ» به دلیل دریافت کمک‌های هنگفت از عربستان و امارات در جریان رقابت‌های انتخاباتی، مجبور بوده برخی توقعات سران این دو کشور را برآورده کند، به ماجرای برکناری «رکس تیلرسون» به وسیله ترامپ و به بهانه اینکه به اندازه کافی با ایران و قطر خشن رفتار نمی‌کند، اشاره کرده و اخراج وزیر خارجه آمریکا را به دلیل تلاش‌های «نادر» در این زمینه می‌دانند. به هر حال، این اقدام‌های دلال سیاسی همیشه پشت پرده، چندان هم مخفی نمی‌ماند و پس از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا «نادر» به خاطر دخالت و نفوذ اماراتی‌ها بر جریان انتخابات مورد بازجویی قرار می‌گیرد.

چند می‌گیری، دلالی کنی؟

رسانه‌های آمریکایی اگرچه چیزی درباره میزان پورسانت و حق الزحمه‌هایی که «نادر» در دوره‌های مختلف زمانی و در دلالی‌هایش از اسرائیل، امارات، کاخ سفید، آل سعود و... می‌گیرد چیزی ننوشت‌اند اما از آنجایی که گرچه‌ها، محض رضای خدا موش نمی‌گیرند، همه می‌دانند زه و بندهایی که با حضور او و در سطوح بین‌المللی انجام شده، بدون پاداش نمانده است. مثلاً سخت است باور کنیم وقتی «نادر» دست عامل مهم صهیونیست‌ها در آمریکا، یعنی «برودی» را در دست اماراتی‌ها می‌گذارد و در نهایت سبب می‌شود قرارداد مشاوره امنیتی – نظامی ۶۰۰ میلیون دلاری میان آن‌ها بسته شود و شرط قرارداد هم انجام اقدام‌ها و تلاش‌های ضد ایرانی است، درصدی از این ۶۰۰ میلیون دلار، به حساب‌های او منتقل نشده باشد. همچنان که به گفته روزنامه‌ها و رسانه‌های آمریکایی در ۲۰ سال گذشته، اقدام‌های او برای برقراری رابطه میان اسرائیل و سوریه، اسرائیل و لبنان، حضور در عراق و همکاری با شرکت امنیتی «بلک واتر» هیچ گاه بدون دریافت حق الزحمه‌های کلان نبوده است.

زیر آسمان شهر

اسم‌ها را بشکافیم...

ایستگاه / رقیه توسلی | می‌دانستم و همان قدر نمی‌دانستم واژه‌ها بتوانند این اندازه افسوسن داشته باشند!... جذب کنند با رازهای دور و درازشان!... جوری که بخواهی به واسطه شنیدن شان پی گوینده بگردد!... مادر دخترک چنان عاشقانه می‌گوید: «ماه گل جان»، «ماه گل من»، «عزیزکم» که نمی‌توانم سر نخراچم پی صدا. پی صداتی که به هیچ وجه از کادر بدین نمی‌زنند.در ایستگاه نشسته‌ام به انتظار و تسرم به دخترک شیرین سه ساله و مادرش، گرم است. به همین «ماه گلی» که هی لگد می‌زند به تویش و هی چیغ کیفور شدن می‌کشد و قربانت بروم تحویل می‌گیرد. از اتوبوس خبری نیست اما زیاد چشم انتظار نیستم، به جایش دارم می‌آموزم. مثل شاگردی که با معلم تازه، وارد فصل جدید کتاب می‌شود. این کوچولو و مادرش جور عجیبی سورپرایزم کرده‌اند. تغییر ذائقه آنی اتفاق افتاده برایم درباره اسم. اسم‌ها. تلفظ عامرانه و عاشقانه‌شان... حتی درباره تک تک حروف در نامه!.. درباره تکرش عادی و خاص آدم‌ها به اولین دارایی بزرگ بشر... دارایی که با آن شکل می‌گیرد، شناخته می‌شود، انس پیدا می‌کند، می‌خوابد، بیدار می‌شود و رسمیت می‌یابد.دوباره گوش می‌دهم به آهنگ و طمانینه و مهربی که در خطاب مادر «ماه گل» است. می‌فهمم او، روی هر بخش پافشاری نرم و نامرئی دارد. طوری که بخواد به مغز کودکش حال خوش بخوره کند. احساسی درست مثل دبدن شکوفه‌های گیلان، مثل آوازی که فقط نسیم بلد است در سبزه زار راه بیندازد.این مادر و دختر، کاری می‌کنند با ذهنم که ناخوداگاه با اسامی دوروبرم کلنجار بروم. با نحوه ادای درست شان. جوری که بین صدا کردن من و شنیدن آن‌ها، شادی و محبت و شور و پدید بیاید و به قدرت خاص نشان‌شان پی ببرند. طوری که پیش خودشان بگویند: عجب اسم زیبا و باشکوهی دارم من! کاش همیشه او مرا صدا بزند! مهم‌یکه کسی گفته‌همیشه‌البتهمردر کارند.مردر دانشگاهمی‌شود.پیدایشان کرد؟ دو: «عمران صلاحی» نازنین چه راست نوشت: کافی است که یکی، قدرت عاشقانه اسمت را بلد باشد. بداند دوست داشتن‌ها پشت کدام حرف اسمت پنهان‌اند تا آهنگین‌تر تلفظش کنند. آن موقع وقتی صدایت بزند انگار که گفته باشد: چه خوب که هستی! چه خوب که تو را دارم! بی‌تو همه چیز بی‌رنگ است! سه: قیقه بعد، دبر است... به نظرم از همین حالا اسامی مهم را جدا کنی... و استادانه تک تک حرفش را بشکافی،د رنگ بدهید، زیر ذره بین بگذاردی و با دوست داشتن آن کنی.

قربان پاهای کوچکش



«عزت الله ضرغامی» چند روز پیش در اینستاگرامش اعلام کرد که برای ارعین، راهی کرپلا شده است. حالا آقای ضرغامی تصویری از یک دختر بچه مرضی احوال در مسیر کرپلا در اینستاگرام منتشر کرده و نوشته است: «عاگوی همه شما همراهان عزیزم هستم. دلم نیامد از کنار این دختر بچه گل، بی‌تفاوت بگذرم. از

دست کوچکش ظرف آب خنک را گرفت. چشمان معصوم و پر از نیاز او به زائر حسین(ع) را فراموش نمی‌کنم. پدرش دست مرا گرفت و روی سر بچه کشید و گفت: شما زائر آمینشید او مرضی است. برایش دعا کنی!تو این مسیر زیاد یاد حضرت رقیه(س) می‌شود. قربان پاهای کوچکش که وقتی خسته می‌شوی یاد او اشک را به پهنای صورت می‌کشاند و نمی‌فهمی که خستگی چیست!«

عشق به وطن به سبک سلبریتی‌ها



«هنزار افشار» که هر از گاهی پست‌های جنجالی‌اش در فضای مجازی سروصدا به پا می‌کند با اشاره به کمپین #حب_الحسین_یجمعنا در توئیترش نوشت: «من و تو با همه تفاوت‌هایی که داریم مهم نیست تو در مورد این من چه فکری می‌کنی اما من می‌گم... #حب_الایران_یجمعنا».

کاربران فضای مجازی هم بی‌درنگ به این پست جنجالی واکنش نشان دادند. یکی از کاربران در این باره نوشت: «وقتی ما از «حب الحسین» حرف می‌زنیم حداقلش اینه که به خاطر از نیفت تا کرپلا تا روی طی می‌کنیم، اما وقتی شما از عشق به ایران نوشتی یادم افتاد با واردات شیر خشک آلوده و با چهار تا توئیت به وطن عشق ورزیدی!«